



امر به معروف و نهی از منکر ضامن جامعه‌ای متعالی

از دیرباز وجود يك جامعه فرهنگ‌مدار همیشه دغدغه فكري دانشمندان اسلامي و غيراسلامي بوده و درخصوص آن بحث‌ها و بررسی‌های بسیار ژرف و بي‌شماری

جام جم آنلاین: از دیرباز وجود يك جامعه فرهنگ‌مدار همیشه دغدغه فكري دانشمندان اسلامي و غيراسلامي بوده و درخصوص آن بحث‌ها و بررسی‌های بسیار ژرف و بي‌شماری به صورت علمي و تطبیقي در طول زمان‌های قدیم و تاکنون، صورت گرفته و در قالب‌هایی مانند مدینه فاضله یا جمهوریت که داعیه اول آن افلاطون بوده و قوانین بسیار سرسختانه‌ای را برای آن لحاظ کرده، پی‌ریزی شده است، اما دیري نپایید که دیگر دانشمندان، تحقق این شهر را به باد انتقاد گرفتند و در عالم واقع امری محال و ناشدنی تلقی کردند و برای همیشه پرونده آن مختومه اعلام شد.

اما آیا واقعا امر محال بودن ظهور شهری با ملکات اخلاقي و دینی - انسانی که برگرفته از سرشت پاک انسان و نیز قوانین مدني و شریعت باشد، همان طور که برخی از فلاسفه، بویژه فلاسفه غرب ادعا می‌کنند می‌تواند عینی یا واقعي باشد؟ صرف‌نظر از تجارب بشري که در این زمینه صورت گرفته است، باید گفت که اطلاق لفظ محال به ازاي مفهوم جامعه‌ای عاری از نقصان یا خطا، کاری بس عجولانه می‌نماید زیرا این لفظ در عرف منطقیین دلالت بر عدم تحقق يك شیئی در عالم واقع حتي در تصورات دارد مگر در مفروضات ذهنی که آن هم با شرایط خاص مانند جزء الكل اعم از کل خود باشد یا جمع بین متناقضین و مانند اینها، چه رسد به این که قضیه با خارج خواه به صورت جزئی و خواه به صورت کلی مرتبط باشد. در حالی که تحقق مدینه فاضله را باید در زمره امور نسبییه دسته‌بندی کرد و نه در امور محال.

الصاق برچسب محال بودن بر جامعه‌ای قانون‌مدار و نیز با فرهنگ زندگی تکافنی که عبارت است از تعدیل خطاها و حل مشکلات از طریق به‌کارگیری نیروهای انسانی، خودجوش و به صورتی مستمر غایتی است که باید آن را در دشمنی با ارزش‌های اسلامي و فراتر از آن، بدبینی غیرمنصفانه خیلی از فلاسفه غرب نسبت به ارزش‌های انسانی جستجو کرد.

شکی نیست که امر خطا به طور ذاتی (بما هوخطا) از اسباب و عللی ناشی می‌شود که شاید مرجع همه آنها جهل بشري است؛ جهل به علت‌های فاعلی در انجام یا تحقق امری از امور. این در حالی است که تراحم غرایز حیوانی در محیط جمعی و پیشرفته مدني، خود عاملی دیگر در به وجود آمدن خطا به شمار می‌رود، لذا امر صادر شدن خطا از انسان بما هو انسان حتمی و یقینی است بلکه می‌توان ادعا کرد که خطا کردن مقدمه‌ای بر امر صواب است.

اما در مقابل این مساله، نسبی بودن تحقق شهری با کمترین میزان خطا از طریق به کار بردن برنامه‌هایی آموزشی و تربیتی که از طرف قانونگذار و دولت‌مرد تعیین می‌شود، خودنمایی می‌کند که اصولا اطلاق اسم مدینه فاضله و عاری از خطا از سوی دانشمندان را باید نه به صورت انطباقی بلکه به صورتی مقبول و ملموس نزد عرف علمي کافی دانست.

در طول تاریخ جنبش‌ها و شخصیت‌های مختلفی ظهور یافته و توانسته‌اند تا حدودی خط بطلانی بر مدعای ذکر شده بکشند و جامعه‌ای با فضایل اخلاقي متعالی و عاری از هر گونه جرمی البته به صورت نسبی به وجود بیاورند که در راس همه آنها، وجود نازنین نبی اکرم(ص) بود.

اما آیا راهکارهایی برای رسیدن به این مطلوب در نظر گرفته شده است؟

هر کدام از مکاتب کوچک و بزرگ عالم فلسفه (بدون لحاظ کردن بحث مدینه فاضله) راهکار و راه‌حل‌های متنوع و متفاوتی در این خصوص ارائه می‌کنند که اغلب آن برنامه‌ها به صورت‌ها و قالب‌های متنوعی و به فراخور تفاوت‌های سنی، علمي، فرهنگی و... مانند قوانین تربیتی و فرهنگی آموزش و پرورش، قوانین حدودی قضایی، قوانین راهنمایی و رانندگی و... در تمام کشورهای اسلامي و غیراسلامي به کار گرفته می‌شوند، اما به‌رغم همه این هیاهوی جهانی متاسفانه شاهد فجایع بی‌شمار اخلاقي، شرعی و قانونی هستیم، به حدی که با وجود این همه برنامه‌های آموزشی و پرورشی مدون، ضرورت وجود يك سری برنامه‌های مکمل و متمم احساس می‌شود برنامه‌ای که می‌توان از طریق آن بین افراد و آحاد جامعه نوعی الزام نسبت به احترام یا تطبیق قوانین وضع شده ایجاد کرد.

راهکارهایی که اسلام ناب محمدی(ص) ارائه کرده است، در هیچ يك از مکاتب و در هیچ برهه‌ای از زمان شبیه و مانندی برای آن یافت نمی‌شود و این مساله برمی‌گردد به نوع نگرش اسلام به جامعه مدني و روحیات قدسیه پیامبر اکرم(ص) که جای بحث مفصل و

عمیقی دارد که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد.

یکی از آن برنامه‌ها امر به معروف و نهی از منکر است که به یقین برای یک جامعه مدنی و مدرن پیریزی و طراحی شده است.

در واقع امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه الهی هستند که بدون آنها تحقق شهری قانونمدار و با فرهنگی متعالی امری شبیه به محال خواهد بود زیرا:

الف: انسان‌ها هرچند بتوانند به وسیله تاباندن اشعه‌های علم بر تاریکی‌های عقل خویش، جهل را از بین ببرند، اما غرایز و آن نفسی که عرفا از آن به عنوان نفس اماره یاد می‌کنند، از بین رفتنی نخواهد بود و همچنان تا آخرین مراحل زندگی خود، آنها را همراهی خواهد کرد.

ب: هر قدر که گدازد انسان‌ها حصار پولادین و دیوارهای بلند بنا کنیم و هر قدر پلیس و افراد نظامی و انتظامی در شهر پراکنده کنیم، تا آن‌ها؛ پولیس؛ درونی بشری را که همانا وجدان و نفس لواحه است، بیدار نکنیم، لاجرم باید شاهد پسرفت و نه پیشرفت جامعه بشری باشیم چراکه در واقع ما با این عمل زندانی ایجاد کردیم که با ملکات ترس و بیم از عقوبت به پیش می‌رود.

ج: وجود سنت‌ها و عرف‌های ناموزون و نادرست همیشه یکی از عوامل جرم‌خیز جوامع بوده و تاکنون بشر نتوانسته از تار و پود آن رهایی جوید؛ سنت‌هایی که به‌رغم شناخت افراد از نتایج وخیم مخالفت با قانون و شرع به گونه‌ای آنها را در جهت رسیدن به اهداف شوم خود اسیر می‌گرداند که گویی این افراد افسون یا مسحور آن گشته‌اند.

د: انسان همواره نیازمند تذکر است و این مساله به شکل بسیار محسوس و ملموسی بین جوامع بلکه همه انسان‌ها مطرح است؛ همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: (فذكر ان الذكري تنفع المومنین).

لذا ضروری است برای داشتن جامعه‌ای متوازن و به دور از جرم و گناه و نیز تعمیم بخشیدن خیر و فیض الهی به تمام انسان‌ها نسبت به فرمایشات الهی که همواره مصلحت بشر را در دنیا و آخرت تضمین کرده است، اذعان نموده و در جهت رسیدن به جامعه‌ای سالم با به کارگیری ارث نبوی یعنی امر به معروف و نهی از منکر گام برداریم.

اجرای این برنامه با ابعاد گسترده آن نیازمند مدیریت منسجم و مدبرانه‌ای از سوی مسوولان ذی‌ربط و همچنین اعمال همه فرمایشات نبی اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که در این زمینه ایراد شده است؛ اما بیشتر از همه این مسائل، مساله صلاحیت افراد آمر و ناهی مدنظر است و در واقع باید این‌گونه طرح مساله شود که چه کسانی این صلاحیت را دارند که امر و نهی نمایند و سربازان امر به معروف و نهی از منکر چه کسانی هستند؟

قرآن کریم که مظهري از قانونگرایی و قانونمندی است، می‌فرماید: (کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) درخصوص تبیین آفاق این آیه باید عرض شود که امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر نوع تعریفی، عبارت است از ورود اجباری و قسری افراد خاص در حوزه و دایره اختیارات افراد خاطی برای اصلاح رفتار و سلوک آنان و این مساله، از مهم‌ترین خصوصیات و ممیزات امر به معروف و نهی از منکر است که این حق در زندگی مدنی به هیچ یک از افراد جامعه داده نمی‌شود مگر با سندیت قانونی و شرعی. لذا در نصوص صریح قرآنی آمده است افرادی چند هستند که اختیار وارد شدن به حدود قانونی افراد خاطی را دارند و آنها را امر یا نهی کنند البته با شرایط خاصی که اهم آنها به شرح زیر است:

الف: خیریت یا همان افضلیت

این مساله از آیه فوق‌الذکر استفاده می‌شود؛ آنجا که خداوند عزوجل می‌فرماید: کنتم خیر امه اخرجت للناس

ب: افرادی که برنامه‌ریزی مدون و علمی دارند که این مساله در کلمه اخرجت للناس لحاظ شده است.

افراط و تفریط در هر امری باعث از بین رفتن نتایج خوب و خوشایند آن خواهد شد و کاملاً درخصوص جامعه عمل پوشاندن امر به معروف و نهی از منکر این امر لحاظ شده است. خداوند متعال امت اسلامی را به اعتدال در همه امور دعوت کرده است در این آیه شریفه فعل کنتم به صورت ماضی یا همان زمان گذشته آمده که تأکید و حتمیت بیشتر قرآن بر نص و مفاد این آیه را گوشزد می‌کند و کلمه «خیر؛ که با دلالت بر دو بحث خیریت که همان عدالت در رفتار و کردار یا همان خیرخواهی و سرشت پاک آمر و ناهی و افضلیت آنها آمده است و کلمه اخرجت که به صورت مجهول آمده و دلالت بر لزوم برنامه‌ریزی مدون بودن

این نوع افراد دارد؛ چراکه کلمه (اخراجت) به معنای (آنها را بسیج کرده‌اند) دلیل بر اراده یک مدیریت مافوق، چون اراده الهی است.

در کل می‌توان درخصوص آیه فوق گفت که آمران و ناهیان، افرادی هستند که اولاً در اخلاق و رفتار خود باید الگوی جامعه باشند، ثانیاً خودسرانه عمل نکرده بلکه باید طبق یک سری برنامه‌ریزی‌های مدون و شرعی – مانند طی کردن همه مراحل آموزشی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر و نیز تفویض یا اجازه حاکم درخصوص وارد عمل شدن این افراد – عمل کنند.

یکی دیگر از این سندیت‌های قرآنی، معروف به ولایت افراد است، آنجا که می‌فرماید: المومنون بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر این آیه شریفه به افراد آمر و ناهی حق ولایت‌مداری می‌دهد و شخص ولی از آنجا که مسؤول مستقیم مولی عنه است، این حق را پیدا می‌کند که به افراد خاطی در جهت جلوگیری از حدوث جرم یا گناه محتمل، امر و نهی کند.

در صدر اسلام به وضوح می‌بینیم که چگونه نبی اکرم با ظرافت خاصی جهت تطبیق مدنیت این مساله بین آحاد مسلمانان ابتدا عقد اخوت و برادری بسته سپس همه آنها را ملزم به رعایت قوانین اخوت کرده است، آنجا که در قرآن کریم آمده است: انما المومنون اخو فاصلحوا بین اخویکم همانا مومنان برادر همدیگر هستند پس بین آنها به اصلاح رفتار کنید.

بر همین منوال قرآن کریم پیش رفته و وارد مرحله اجرایی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود و می‌فرماید: و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما اگر 2 طایفه مومن با هم قتال نمایند، آنها را به اصلاح روابط امر کنید.

پس از آن، مرحله نهی از منکر را متذکر می‌شود، می‌فرماید: فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا التي تبغی حتی تفئیء الی امرالله پس اگر یکی از آن دو طایفه بر دیگری ظلم و بغی نماید، پس با آن وارد جنگ شوید تا این که به امر الهی تن دردهد.

بر کسی پوشیده نیست که حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(ص) در طول مدت مبارک رسالت خویش با به‌کارگیری یک سری برنامه‌ها و ترفندهای تربیتی و اخلاقی توانست به آن آرزوی دیرینه بشری دست یابد و به آن جامه عمل بپوشاند و اذعان همه تاریخ‌نویسان بر تحقق این مدنیت عاری از تخلف و جرم و بزهکاری گواه بر این مدعاست، بدین معنا که نبی گرامی اسلام(ص) توانست نه تنها شهر مدینه بلکه قریب به اتفاق همه اقطار اسلامی را به سوی همزیستی مسالمت‌آمیز و برادرگونه و نیز به دور از انواع مشکلات اخلاقی رهنمون سازد.

تحقق این هدف مرهون تمام برنامه‌ها و راهکارهای تربیتی دین مبین اسلام بخصوص فریضتین امر به معروف و نهی از منکر بود که اولین جرقه‌های آن از این آیه شروع می‌شود: ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا) هر چه را فرستاده الهی به شما گوشزد می‌کند، فرا گیرید و هر آنچه شما را از آن بازدارد، دست بردارید.

در پایان باید متذکر شد که افراط و تفریط در هر امری باعث از بین رفتن نتایج خوب و خوشایند آن خواهد شد و بشدت درخصوص جامعه عمل پوشاندن دو فریضه الهی یاد شده این امر لحاظ شده است، خصوصاً که خداوند متعال، امت اسلامی را به اعتدال در همه امور دعوت کرده و فرمود: کذالک جعلناکم امه وسطا که منظور از (وسطا)، اعتدال و توازن در رفتار و کردار بلکه در همه امور عبادی انسان است و این امر میسر نخواهد بود مگر با رویکرد جدی به 2 فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که بیمه‌کننده و ضامن سلامت همه ارزش‌های اسلام و انسانی است.

حجت الاسلام عباس ساکی/ جام جم